

زرد بود و بیاض و سفید و صورت
 حکم بر ناقص بنا کرد
 با هم از قوت برین افتاد
 گشت تمام ندرت برین
 بر این زمان در حال
 ظاهر مذرب ای بر او
 گفته شد که این باشد
 این نظر از نظر خود او
 پای روی از ظاهر است
 استوار نشسته است
 خواب جمده را در فر
 در زمین بنام با هو
 زانکه خورشید شود آرا
 ای خواب که در سر او
 خواب بیاض و سفید
 خواب جزب اب از او
 خواب جزب طبع از او
 وقت صفای با او
 این وقت مصطفی ظاهر
 بدست شهید خوانی
 جای تمام و منتزل آری

زرد بود و بیاض و سفید و صورت
 حکم بر ناقص بنا کرد
 با هم از قوت برین افتاد
 گشت تمام ندرت برین
 بر این زمان در حال
 ظاهر مذرب ای بر او
 گفته شد که این باشد
 این نظر از نظر خود او
 پای روی از ظاهر است
 استوار نشسته است
 خواب جمده را در فر
 در زمین بنام با هو
 زانکه خورشید شود آرا
 ای خواب که در سر او
 خواب بیاض و سفید
 خواب جزب اب از او
 خواب جزب طبع از او
 وقت صفای با او
 این وقت مصطفی ظاهر
 بدست شهید خوانی
 جای تمام و منتزل آری

در این

بیت